

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۶ / زمستان ۱۳۹۵
صص ۶۷-۵۶

جرایم ناشی از نفرت مذهبی



۵۰

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال دوازدهم
شماره ۴۶ - زمستان ۱۳۹۵

• بهنام دارابی

دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه خوارزمی

darabibehnam@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۱

چکیده

«جرم ناشی از نفرت» مفهومی اجتماعی است که در اوایل دهه ۹۰ میلادی به کار برده شد و مصادیق فراوان در کشورهای مختلف یافته است. این مفهوم آن دسته از جرایمی را شامل می‌شود که براساس نفرت موجود نسبت به دسته‌ای از افراد جامعه، بنابر اختلافی ایدئولوژیک یا طبیعی، با قربانی از سوی مجرم رخ می‌دهد. آثار مخرب اجتماعی این‌گونه جرایم موجب شده است اقداماتی برای از بین بردن و مقابله با آن، به خصوص در کشورهای اروپایی و آمریکا، صورت گیرد. با این حال، این اصطلاح در ادبیات حقوقی ایران واژه‌ای بیگانه است. این مقاله پس از ارائه گزارشی از این دسته جرایم در خارج و داخل ایران، با تقسیم عوامل به سه دسته دولت، نهادهای دینی و ایدئولوژیک، و جامعه، به تبیین تأثیر هر یک در ارتکاب چنین جرایمی می‌پردازد و با توجه به فضای چند فرهنگی ایران و قرار گرفتن در منطقه پر آشوب غرب آسیا، راهکارهایی را پیشنهاد می‌نماید که می‌تواند مانع از تبدیل اختلاف مذهبی و قومی به نفرت و خشونت گردد.

کلیدواژه‌ها: اختلاف مذهبی، جرم ناشی از نفرت، جرایم میان‌گروهی، گروه نفرت، جهل مقدس، نهاد دین و دولت.

برای شناخت این مفهوم، ابتدا باید مفهوم جرم مورد بررسی قرار گیرد. پرداختن به پیشینه این گونه از جرایم نیز برای شناخت دقیق این مفهوم، امری ضروری تلقی می‌گردد.

۱) جرم

از جرم تعریف واحدی که مورد پذیرش همه اندیشمندان باشد، ارائه نشده است. در نظر بسیاری از افراد، جرم هر رفتاری است که آسیبی متوجه افراد یا گروهها سازد. این تعریف این سؤال را پیش می‌آورد که اساساً آسیب و صدمه کدام است. گذشته از آن، سرنوشت کسانی که سبب آسیب می‌شوند، مورد بحث قرار نمی‌گیرد، اما آنچه قدر متیقن است اینکه جرم در واژگان حقوقی، هر رفتاری است که قوانین موضوعه کیفری را مورد تجاوز قرار دهد؛ یعنی خطا یا فعلی است که مشمول کیفر رسمی واقع گردد.^۱ محمد باهری می‌نویسد: «جرم از نظر اجتماعی نقض نظام جامعه است. نظام جامعه تغییرپذیر است و به همین جهت نمی‌توان مفهوم جرم طبیعی را پذیرفت. در عمل نیز شناختن مفهوم اجتماعی جرم کفایت نمی‌کند. حقوق‌دان باید مختصات جرم را معلوم نماید. پس از دو نقطه نظر قابل مطالعه است: نقطه نظر اجتماعی و نقطه نظر حقوقی».^۲

در نظام حقوقی کیفری اسلام، جرم با گناه (ارتکاب حرام یا ترک واجب) هم‌پوشانی بسیاری یافته است، تا جایی که قاعده‌ای فقهی مقرر می‌دارد: «لکل عمل محرم تعزیر»؛ یعنی ارتکاب عمل حرام را دارای مجازات تعزیری اعلام می‌کند. اما در بین دانشمندان علوم اسلامی نیز اختلاف نظر فراوانی در تفسیر این قاعده و اینکه چگونه عمل حرامی موجب تعزیر است، به چشم می‌خورد.

گروهی از فقها به اطلاق قاعده استناد کرده و همه

ما در منطقه غرب آسیا در میانه جهان خشنی قرار گرفته‌ایم که گروهی به خاطر عقیده، دیگران را با نهایت خشونت و به بدترین شکل می‌کشند. جهانی که در آن اختلافات تحمل نمی‌شوند و رواداری گونه‌های دیگر زندگی در آن وجود ندارد. پدیده خشونت مذهبی اگر به مثابه یک جرم تعریف گردد، مانند هر جرم دیگری دو عامل دخیل در پدیده مجرمانه می‌یابد: در یک سو مجرم و در سوی دیگر قربانی. در جرایم عمدی طبیعتاً انگیزه‌ای درونی مجرم را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه می‌کشاند که در اصطلاح حقوقی به آن «رکن معنوی جرم» می‌گویند.

«جرم ناشی از نفرت» مفهومی اجتماعی است که در سالهای آغازین دهه ۹۰ میلادی در کشورهای غربی وارد ادبیات حقوق کیفری گردید و گونه‌ای جدید از تقسیم‌بندی جرایم را براساس انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم، ارائه نمود. در این گونه جرایم آنچه مجرم را به سوی قربانی می‌کشاند، کسب منفعت یا کینه و خشونت علیه شخص قربانی نیست. چه بسا مجرم، قربانی خود را نشناسد و تنها براساس نفرتی که از دسته‌ای از انسانها دارد، او را انتخاب کرده است. این نفرت نیز می‌تواند براساس عقاید (شامل دین، مذهب یا هر ایدئولوژی دیگری)، نژاد، ملیت، قومیت، زبان، جنسیت یا حتی نقض عضو قربانی باشد.

این مقاله در صدد است با توصیف و تبیین این مفهوم و این گونه از جرایم، با توجه به آمارهای ارائه شده و با تلاش در یافتن مصادیقی از آن، با روشن ساختن مفهوم و عناصر این گونه جرایم، به این پرسشها پاسخ گوید که این گونه جرایم ناشی از نفرت چه تفاوت و اهمیتی نسبت به سایر جرایم دارند و چه عواملی در وقوع و میزان آنها مؤثر است؟ و در نهایت شناخت این مفهوم در نظام حقوق کیفری کشورهای اسلامی چقدر می‌تواند در جلوگیری از خشونت‌های دینی و جریانه‌های تکفیری مؤثر باشد؟

۱. نظریه‌های جرم‌شناسی، ص ۴۴.

۲. حقوق جزای عمومی، ص ۹۵.





گناهان را اعم از ارتکاب حرام یا ترک واجب، موجب تعزیر دانسته‌اند، هرچند در حیطه فردی شخص مرتکب، مثل ترک نماز باشد که برای سایر افراد آسیبی در پی ندارد. برخی آن را مخصوص گناهان مرتبط با حقوق الناس و برخی حقوق الله می‌دانند و برخی دیگر، گناهی را که سبب آزار مردم شود، موجب مجازات می‌دانند.^۲

قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ش نیز در ماده دوم جرم را چنین تعریف می‌نماید: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

با این تعاریف تعیین اینکه چه چیز جرم است و چه چیز جرم نیست و چه کسی مجرم است، به زمان و مکان یا به عبارت دیگر جوامع و فرهنگها بستگی شدیدی می‌یابد و مباحث فراوانی در فلسفه حقوق پدید آورده است و حول همین یک مسئله، مکاتب بسیاری شکل گرفته‌اند. گذشته از همه این موارد، مصادیقی از جرم وجود دارد که براساس نظر مکتب حقوق فطری یا طبیعی، توسط اخلاق بشری، و رای مختصاتی نظیر جامعه، زمان و مکان، از نظر هر طبع سلیمی، زشت و مستوجب مجازات تلقی می‌گردد. برای مثال هیچ بشر عاقلی نمی‌پذیرد بی‌گناهی مورد صدمه یا قتل واقع شود، یا به اموال و آبروی انسانی تعدی شود و ابنای بشر در چنین مواردی، متعدی را مستحق کیفر می‌دانند.^۳ با این نگاه به جرم، می‌توان تعریفی جهان‌شمول از آن ارائه داد که اصطلاح جرم در این مقاله براساس این تعریف به کار خواهد رفت. جرم در این معنای جامع عبارت است از: آنچه توسط خرد جمعی و فطرت انسانی قبیح و مستوجب کیفر شناخته می‌شود و اتفاقی جهانی بر جرم و سزاوار کیفر بودن آن، وجود دارد.

۲) جرم ناشی از نفرت

۳. نک: الخلاف، ج ۵، ص ۴۷۳؛ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۵۶؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۴۰۸؛ التعزیر احکامه و حدوده.

۴. نک: فلسفه حقوق، ج ۱.

«جرم ناشی از نفرت» (Hate Crime) اولین بار در سال ۱۹۸۹م در یک روزنامه آمریکایی به کار برده شد و دانشمندان حقوق در سالهای آغازین دهه ۹۰ و بعد از جنگ جهانی دوم از این اصطلاح استفاده نمودند. جرم ناشی از نفرت، مفهومی اجتماعی است که به وجود آمد، تا بر اعمال جنایی که به واسطه پیش‌داوری ایجاد می‌شود، تأکید کند. این مفهوم بیشتر به طبیعت جرم توجه دارد، تا عمل آن، و تلاش می‌کند تا مدل حقوق مدنی را به جهان جرم و حقوق جنایی بسط دهد.

در مورد جرم ناشی از نفرت نیز اتفاق نظر وجود ندارد، در صورت تعریف مضیق آن، فقط نفرت‌های سازمان‌دار و خاصی را شامل می‌شود. با این تعریف، جرایم کمتری در این حوزه وارد خواهند شد، اما در صورت تعریف موسع آن، درصد بالایی از «جرایم میان‌گروهی»، جرم ناشی از نفرت محسوب خواهند شد.

از طرف دیگر دسته‌ای به ذکر مصادیقی برای آن پرداخته‌اند که اگر پذیرفته شود، تعداد معدودی جرم همچون تجاوز جنسی یا آزار و اذیت را می‌توان جرم ناشی از نفرت دانست و اگر تخریب (خرابکاری) یا نوشته‌های دیواری مستهجن را که به علت اغراض شخصی یا گروهی ایجاد می‌شوند، جزء این جرایم بدانیم، این تعداد رو به فزونی خواهد نهاد.^۵

بسیاری از نهادها نیز در تعریف این‌گونه جرایم، انواع آن را بر شمرده‌اند که در حقیقت، تقسیمی براساس گروه‌های اجتماعی است که جانی یا قربانی به آن تعلق دارند. پلیس شهر بریستول انگلستان جرم ناشی از نفرت را چنین تعریف می‌کند: «جرم ناشی از تنفر هرگونه حادثه‌ای است که می‌تواند جرم کیفری باشد و ناشی از تعصب یا نفرت نسبت به شخصی به دلایل زیر است: ۱. جنسیت (شامل افراد ترانجندر هم می‌شود) ۲. نژاد ۳. عقاید و مذهب ۴. تمایلات

جنسی ۵. سن ۶. معلولیت»^۶.

پلیس کالیفرنیا نیز آن را چنین تعریف کرده است: «جرائم ناشی از نفرت شامل اعمال خشونت، وحشیگری، دیوارنویسی، ارباب، تهدیدات جنایی و سایر جرایمی که به موجب جنسیت (ترانس فویبا)، ملیت، نژاد، قومیت، مذهب، گرایش جنسی (هومو فویبا) یا معلولیت جسمی صورت می‌گیرد»^۷.

فارغ از تعاریف لغوی و اصطلاحی، می‌توان چند عنصر را برشمرد که با وجود آنها جرم، ناشی از نفرت تلقی گردد. عنصر اول در این‌گونه جرایم «باور» یا «اعتقاد» (Belief) شخص مجرم است که قدرت محرکه او برای ایجاد «نفرت» و ارتکاب جرم می‌شود. در تعریف جرم ناشی از نفرت باید به عنصر «غرض» یا «پیش‌داوری» (Prejudice) نیز توجهی ویژه داشت. در این‌گونه جرایم، شخص مجرم براساس عقیده خود غرض می‌ورزد و نسبت به قربانی که از او متنفر گشته است، مرتکب عمل مجرمانه می‌شود. از طرفی عنصر دیگر آن یعنی «تعلق قربانی به گروه یا دسته‌ای خاص» یا «داشتن وصف یا ویژگی خاص» نیز باید محقق شود، تا جرم، ناشی از نفرت تلقی گردد، به عبارت دیگر در این‌گونه جرایم، قربانی مورد جنایت واقع می‌شود؛ چون به گروهی خاص تعلق دارد.

۳) جرایم ناشی از نفرت در غرب و شیوه‌های مقابله با آن

همان‌گونه که گذشت، این اصطلاح از سالهای آغازین دهه ۹۰ در ایالات متحده آمریکا به کار برده شد و مصطلح گردید و بیشتر ناظر به ارتکاب اعمال مجرمانه و درگیریهای سفیدپوستان و سیاه‌پوستان بود که رفته‌رفته به موارد دیگر نیز گسترش یافت. غرب به شدت با این مسئله درگیر بوده و هزینه‌های سنگینی نیز برای آن پرداخت نموده است. نزاعهای

میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان، درگیریهای مذهبی یهودیان، مسیحیان و مسلمانان و درگیریهای فرقه‌ای مسیحیان نمونه‌هایی از آن است. این نزاعها گاهی به ایجاد جنگ کشیده است که جنگ بوسنی را می‌توان از مصادیق آن شمرد.^۸

در کشور ایالت متحده آمریکا این مسئله جدی‌تر بوده است، تا آنجا که در آمریکا دهه نخست قرن ۲۰ را «دهه هراس، نفرت و جنگ» نامیده‌اند.^۹ امروز در آمریکا، منونیت‌ها، کاتولیک‌ها، کوکرها، تعمیدیان، فرقه قدیمی امیش و متدیست‌ها حضور دارند. بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ فرقه مذهبی در آمریکا وجود دارد و از این لحاظ آمریکا گوی سبقت را از هر کشور دیگری در دارا بودن فرق مختلف ربوده است.^{۱۰}

طبق آمار رسمی پلیس فدرال آمریکا، جرایم ناشی از نفرت از مسلمانان در آمریکا در سال ۲۰۱۰م تقریباً ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. قسمتی از گزارش جرایم نفرت، نشان می‌دهد که اعمال ناشی از تحریک به دلیل تبعیض علیه مسلمانان از ۱۰۷ مورد به ۱۶۰ مورد در سال ۲۰۱۰م افزایش پیدا کرده است.

همچنین جرایم نفرت از یهودیان در سال ۲۰۱۰م از ۹۳۱ مورد به ۸۸۷ مورد نسبت به سال قبل کاهش یافته است. جرایم تحریک‌کننده احساسات ضد کاتولیکی از ۵۱ مورد به ۵۸ مورد افزایش پیدا کرده است. نرخ کلی جرایم نفرت مذهبی در سال ۲۰۱۰م به ۶۶۲۸ مورد افزایش پیدا کرده است. در این میان ۴۷/۳ درصد از این جرایم عوامل نژادی داشتند و ۲۰ درصد عوامل آن را نفرت مذهبی تشکیل می‌دادند.^{۱۱} مرکز حقوقی فقر جنوب آمریکا در سال ۲۰۱۳م، ۹۳۹ «گروه نفرت» را در ایالات متحده شناسایی کرده است. «گروه نفرت» (Hate Group)، یک گروه یا جنبش سازمان‌یافته است که طرف‌داران آن

۸. نک: «ریشه‌های جنگ بوسنی؛ نفرت نژادی».

۹. نک: «دهه تقرب، هراس، نفرت و جنگ مداوم».

۱۰. منش فرد و ساختار اجتماعی، ص ۲۵۹.

۱۱. روزنامه اسلام تایمز، ۳/۹/۱۳۹۰ش.

۶. آگاهی رسمی منتشر شده شهرداری بریستول.

۷. آگاهی رسمی منتشر شده توسط پلیس کالیفرنیا.





در جهت ایجاد نفرت، دشمنی، کینه‌توزی، خشونت و ایراد صدمه نسبت به اعضای یک نژاد، قوم، مذهب، جنس یا معلولیت یا هر بخش تعیین شده‌ای از جامعه، فعالیت می‌کنند.^{۱۲}

در بسیاری از کشورهای غربی، جرم ناشی از نفرت را از عوامل مشدده مجازات برشمرده و قوانین خاص آن را به تصویب رسانده و برای آن دلایلی به این شرح ذکر کرده‌اند: ۱. این گونه از جرایم اخلاقاً زشت‌ترین؛ زیرا مجرم در این گونه جرایم، بدون شناخت قربانی خود و اطلاع از شخصیت و اخلاق او، صرفاً به خاطر تعلق قربانی به نژاد، دین، قوم، شهر یا جنسیتش، او را مورد هدف قرار می‌دهد. ۲. بر قربانی صدمات روحی شدیدتری ایجاد می‌نماید؛ زیرا او را بدون آنکه دارای تقصیری باشد، فقط به دلیل تعلق به گروهی خاص مورد صدمه قرار داده‌اند و احساس ناامنی چنین شخصی به مراتب بیشتر خواهد بود. ۳. این گونه از جرایم احساس ناامنی گسترده‌ای در جامعه، به خصوص در بین گروه قربانی ایجاد می‌کند و گستره صدمات آن به اشخاص ثالث نیز خواهد رسید. ۴. آتش انتقام میان گروهی را در پی ایجاد عدم اعتماد افزایش می‌دهد.^{۱۳}

بر این اساس، اقدامات بسیاری برای مقابله و پیشگیری از این نوع جرایم، صورت گرفته است. سازمانهای دولتی و مردم‌نهاد بسیاری در این زمینه مشغول فعالیت می‌باشند. در بسیاری از ایالات آمریکا و اروپا پلیس اصرار فراوانی برای گزارش این گونه از جرایم دارد و تبلیغات و تشویقهای گسترده‌ای برای این کار در نظر گرفته می‌شود،^{۱۴} تا جایی که پلیس مخصوص به جرایم ناشی از نفرت در انگلستان تشکیل شده است.^{۱۵}

در آلمان نیز اقدامات جدی حقوقی در این راستا

صورت گرفته است و به شدت با آن مقابله می‌شود.^{۱۶} اقدامات مهمی نیز برای آموزش کودکان صورت گرفته، از جمله مرکز حقوقی فقر جنوب ایالت متحده آمریکا پروژه‌ای را با نام «آموزش تحمل» (Teaching Tolerance) اجرا نموده که طی آن، برای کودکان، کارهای پرورشی گوناگونی، مانند تهیه کتاب داستان، فیلم و پوستر انجام شده است و سعی می‌شود در برنامه‌های «شام مشترک»، کودکانی از نژادها و ادیان گوناگون را با یکدیگر آشنا نموده و با فراهم آوردن محیطی شاد و خاطراتی خوشایند، مانع سوء ظن، ترس و بدبینی آنها در آینده نسبت به یکدیگر شوند.^{۱۷}

۴) جرایم ناشی از نفرت در ایران

در ادبیات حقوقی ایران چنین اصطلاحی شناخته شده نیست و قوانین ایران نیز چنین تفکیکی بین جرایم در نظر نگرفته‌اند، اما ناآشنا بودن ادبیات حقوقی ایران با جرم ناشی از نفرت به معنای عدم وجود چنین انگیزه‌هایی در بین مجرمان این کشور نیست.

در ایران نیز روزانه جرایمی رخ می‌دهد که از نوع جرم ناشی از نفرت می‌باشند. اختلافات و درگیریهای قومیتی، تنفر ناشی از اختلافات مذهبی، درگیریهای مذهبی به خصوص در مناطق مرزی کشور (به عنوان نمونه بمب‌گذاری در حسینیه‌ای در زاهدان در ۷ خرداد ۱۳۸۸ش، عملیات انتحاری در چابهار در روز تاسوعا در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۹ش، و انفجار نارنجک در حسینیه‌ای در تربت‌جام در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۸۷ش)، ترانس فویسا یا ترس و تنفر از اشخاص دارای اختلال جنسیتی، احساسات ناشی از اعتقادات مذهبی و نوع پوشش، و نفرت نسبت به مهاجران خارجی (برای نمونه حمله به مناطق افغانی نشین در ایران)،^{۱۸} همه از مصادیق جرایم ناشی از

16. "Preventing Hate Crimes", P.634.

17. www.tolerance.org

۱۸. پایگاه خبری عصر ایران، کد خبر: ۱۱۰۸۵۱؛ پایگاه اطلاع رسانی افغانستان، کد خبر: ۳۷۸۸۶.

12. www.splcenter.org

13. Hate Crimes, P.6.

۱۴. برای نمونه نک: سایت رسمی اف بی آی.

15. www.report-it.org.uk

نفرت می‌باشند، بدون این‌که در نظام کیفری ایران این نام بر آن اطلاق شود و پژوهشی بر این مبنا صورت گیرد و آماری دقیق در دست باشد.

تبیین عوامل وقوع جرایم ناشی از نفرت

پس از شناخت این دسته از جرایم و ارائه گزارشهایی در این مورد در ایران و سایر کشورها و اشاره به برخی از اقدامات برای جلوگیری از جرایم این چنینی در کشورهای غربی، لازم است عوامل وقوع این دسته از جرایم نیز با نگاهی جرم‌شناسانه واکاوی شود. برای تبیین جرم‌شناسانه پدیده جرایم ناشی از نفرت چند نهاد باید به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند که به نظر می‌رسد نقشی اساسی در وقوع و افزایش این‌گونه جرایم دارند؛ جرایمی که آثار آن بیش از سایر گونه‌های جرایم بر جامعه مشهود خواهد بود. سه نهاد دولت، دین و جامعه هرچند جدای از یکدیگر نیستند و وابستگی و همبستگی فراوان دارند، اما باید به منظور بررسی جرایم ناشی از نفرت، به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرند.

۱) نقش دولتها و نفرت پراکنی سیاسی

دولتها به معنای قدرت سیاسی حاکم در سرزمینی، در وقوع و گسترش این‌گونه از جرایم، در راستای منافع و اهداف خود، خواسته یا ناخواسته به چند صورت نقشی اصلی ایفا می‌کنند:

الف) تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) در جهت منافع دولت

معروف است که در سال ۱۶۲۲م پاپ گریگوری در کلیسای کاتولیک، تشکیلاتی را برای تبلیغ مسیحیت تأسیس نمود و آن را «پروپاگاندا» نامید، واژه‌ای که آن زمان به معنی کلی «تبلیغ» شناخته می‌شد و اختصاصاً در معنی «تبلیغ آیین مسیح» مصطلح گردید. البته به تدریج و تا هم‌اکنون در محافل و مراکز رسانه‌ای و عمومی جهان از آن به مفهوم «تبلیغات سیاسی» یاد می‌شود و امروزه نیز مراد از

پروپاگاندا این معنای اخیر است.^{۱۹} پروپاگاندا گونه‌ای ارتباط است که در آن، اطلاعات هماهنگ و جهت‌دار برای بسیج افکار عمومی از طریق تبلیغات سیاسی پخش و فرستاده می‌شود. تبلیغات سیاسی «شکلی از ارتباط است که هدف آن، نفوذ بر گرایش یک جمع یا جماعت به موضع و دلیل دلخواه مبلغ سیاسی می‌باشد».

پروپاگاندا برخلاف تهیه اطلاعات ناچانب‌دارانه، در اصلی‌ترین معنای خود، «دادن اطلاعات با هدف نفوذ بر یک مخاطب» است. نتیجه این امر، تغییر گرایش دلخواه به سوی هدفی است که برای مخاطب هدف‌گذاری شده و به منظور پیشبرد یک برنامه سیاسی، در نظر گرفته شده است. افزون بر این، پروپاگاندا می‌تواند در شکل یک نبرد و جنگ افروزی سیاسی نیز تلقی شود.^{۲۰}

به عبارت دیگر یارکشی سیاسی و تأثیر بر مخاطب با اهداف سیاسی را پروپاگاندا گویند. با بررسی تاریخ معاصر، این موضوع به خوبی قابل استنباط است که پروپاگاندا و تبلیغات سیاسی سیاستمداران، در هر دو عرصه سیاست داخلی و خارجی، و رقابتهای انتخاباتی و روابط بین‌الملل، به خصوص در زمان جنگ و نزاع بین دولتها عرصه انگیزتن نفرت مخاطب نسبت به دسته و گروهی دیگر در جامعه یا در کشورهای دیگر بوده است.

یک نظر به پوستره‌های تبلیغاتی سیاسی دهه اول قرن ۲۰ به خوبی این مسئله را نمایان می‌سازد: نشان دادن کشور ژاپن به شکل موشی که در حال حمله به آمریکا است و ایجاد ترس و نفرت از ژاپنی‌ها، تبلیغات کوکلاس‌کلان‌ها به عنوان حامیان آمریکا از یک نامزد خاص، تبلیغات نازی‌ها علیه یهودی‌ها، تبلیغات آمریکا علیه آنارشیستهای اروپایی و نشان دادن طرف‌داران جنبشهای کارگری به عنوان هیولایی

۱۹. افکار عمومی و شیوه‌های اقناع، ص ۵۰.

۲۰. ارتباطات سیاسی، ص ۱۸۲؛ دانشنامه سیاسی، ص ۹۵.





که در حال حمله به مجسمه آزادی است؛ همه و همه واقعه‌های تاریخی است که اثرات عمیقی بر جوامع داشته و امروز، جهان را با مشکل جرایم ناشی از نفرت و «تروریسم بدون مرز» روبه‌رو نموده است. رقابت سیاسی دو دولت صفوی و عثمانی در کشورهای اسلامی نیز مصداقی از همین روش دولتها محسوب می‌شود.

جنگ و رقابت‌های سیاسی داخلی و خارجی پایان می‌پذیرد، دولتها با یکدیگر صلح می‌نمایند، اما بذره‌های نفرت، ترس و خشونت‌هایی که در دل مردم خویش کاشته‌اند، روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شوند و به بار می‌نشینند.

ب) عدم اعتماد به قانون

تأثیر دیگر دولتها که به صورت غیرمستقیم موجب افزایش جرایم ناشی از نفرت می‌گردد، عدم اجرای قانون، ضعف عملکرد مجریان قانون یا اجرای سلیقه‌ای و موردی قانون نسبت به برخی و رها کردن دسته‌ای دیگر از مجرمان است که منجر به عدم اعتماد جامعه نسبت به قانون و اجرای آن می‌گردد.

وقتی جامعه از احقاق حق خود از طریق مجرای قانونی ناامید شود، خود نقش قاضی و مجری قانون را بر عهده خواهد گرفت و به احقاق حقوق پنداشته خود دست خواهد زد و آتش انتقام به صورت کور در بین گروه‌های مختلف و متعارض شعله‌ور می‌گردد.

هانس گرت می‌نویسد: «کمیته‌های انتقام که قانون را در چنگ‌های خود دارند، یا ردپوشان کوکلاس‌کلان که مجری کیفر لنیچ‌اند، غاصبان حق اختصاصی جامعه برای اجرای مجازات خشن و الزامی می‌باشند. وقتی که سکان‌داران جامعه غم سرکوب پایمال‌کنندگان حقوق محرومان را ندارند، با وضعیت‌هایی مواجه می‌شویم که در آن، خشونت‌های نامتعارف، مورد تحسین مردمی قرار می‌گیرد که اعتماد ندارند قانون سیر طبیعی خود را طی می‌کند».^{۲۱}

۲۱. منش فرد و ساختار اجتماعی، ص ۲۸۲.

حمله به برخی محله‌های افغانی نشین در سالهای اخیر عموماً پس از ارتکاب جرم توسط یکی از مهاجران افغانی، رخ داده است. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۱ش در پی تجاوز و قتل یک دختر توسط یک تبعه افغانی، عده‌ای در شهر یزد به محله افغانیها حمله کردند و خانه‌های ایشان را به آتش کشیدند.^{۲۲} این‌گونه اقدامات به خوبی مؤید این نظر است که چون لاقلاً در بین برخی افراد جامعه به اجرای قانون اعتمادی وجود ندارد، به صورت کور و خشن در صدد انتقام گروهی برمی‌آیند.

۲) نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک

دومین نهاد مؤثر در احساس ترس، خطر و نفرت، هر نهاد ایدئولوژیک و دینی است که با تعصب و کوتاه‌اندیشی همراه گردد. منظور از نهاد دینی اشاره به کلیه نهادهایی است که در آن، «انسانها پرستش دسته‌جمعی خدا، یا خدایان را در زمانهای معین و مکانهای ثابتی ترتیب می‌دهند». در رفتار مذهبی، انسانها وسایل ماوراءالطبیعه (به عنوان مثال حمد و ستایش و قربانی کردن و غیره) را در کوشش برای به دست آوردن هدفهای ماوراءالطبیعه‌ای به کار می‌گیرند. مذهب به شیوه‌های گوناگون، با رهایی از رنج یا همچون بسیاری از مذاهب شرقی، با عرفان (ارتباط شخص با ذات احدیت) سروکار دارد.^{۲۳}

نیچه مفهوم «کینه‌توزی» را مطرح می‌سازد و ادعا می‌کند که مسیحیت چیزی جز قیام اخلاقی بردگان نیست.^{۲۴} به این معنی که چون تهاجم مستقیم برای برده ممنوع است، او باید تهاجم خود را «واپس» زند و به این ترتیب آن را با آرزوی تهاجمی تأخیری یا انتقام، تصاعد بخشد. این آرزوی انتقام در زمان مناسب آگاهانه سر می‌کشد و سپس فرو می‌نشیند، اما فرو نشستن از زاویه‌ای نو است که ظاهراً از

۲۲. پایگاه اطلاع رسانی افغانستان، کد خبر: ۳۷۸۸۶.

۲۳. منش فرد و ساختار اجتماعی، ص ۲۵۵.

۲۴. نک: تبارشناسی اخلاق.

موقعیت ارزشی والاتری، برآمده از ارزیابی دوباره ارزشها است. در این ارزیابی دوباره، آدمهای قوی، سرور و نیرومند به مثابه سنخهای قهرمان و ارزشمند پذیرفتنی نیستند، بلکه رنجیده، حقیر و فروتن است که زمین خداوند را به ارث می‌برد. این نفرین شدگان و ناخوشایندانند که نزد پروردگار محبوب می‌باشند. براساس این نظریه، انسان نیکوکار می‌تواند با رقت قلب، سرنوشت هراس‌آور بدکار و بی‌ایمان را پیش‌بینی کند، سرنوشتی که خدا برای روز محشر برای آنان تدارک دیده است. نیچه به این ترتیب از عشق مسیحی به همسایه به نوعی «جبران» تهاجم سرکوب شده تعبیر می‌کند و فرض هابز را پی می‌گیرد که طبیعت آدمی «ذاتاً» شرور و مهاجم است و آن دکان دو نیش عشق، جبرانی مایه گرفته از نفرت و تهاجمی ناکام است.

تردیدی نیست که شخص ممکن است به سهولت، سجایای خشم و تنفر را در سنت یهودی و مسیحی تشخیص دهد، اما اینکه این ادیان را برحسب «تنفر و خشم» با تمام پیچیدگیهای آن، بخواهد تبیین کند، لازم است که ارزشهای مرجح و سنتهای اعتقادی آنها را به مبانی طبیعی مربوط به عشق تقلیل دهد.^{۲۵}

سخن نیچه سخنی دقیق می‌نماید. هر شخص مؤمن به هر دین یا مذهب یا عقیده‌ای خودبه‌خود عقیده خود را بر حق می‌داند که مورد پذیرش او واقع شده است و این برحق عقیده او، خواسته یا ناخواسته به باطل دانستن عقیده مخالف و پیش‌بینی عاقبتی سوء برای وی ختم خواهد شد. این «تنفر و خشم» گاهی بروز می‌یابد و گاهی از نظر نیچه حتی خود را در پس عشق ورزیدن به انسانها مخفی می‌سازد؛ زیرا پذیرش هر عقیده‌ای ذاتاً به نفی عقاید دیگر وابسته است.

این وضعیت، امروزه به وضوح در کشورهای مسلمان و گروههای افراطی از جمله طالبان، القاعده و اخیراً جبهه النصره و داعش قابل مشاهده و بررسی است.

۲۵. منش فرد و ساختار اجتماعی، ص ۲۶۴.

نهاد دینی با چنین مختصاتی با تمسک به دو چیز به اهداف خویش نایل می‌گردد:

الف) تبلیغ دینی و سخنان نفرت برانگیز همان‌گونه که تبلیغ سیاسی در جرایم ناشی از نفرت سهم دارد، تبلیغات دینی نیز همواره در این‌گونه جرایم دارای تأثیر مهمی بوده است. کسانی که نژاد هراسی و دین هراسی را در جهت حفظ سلطه خود روی یک نژاد یا مذهب معین گسترش می‌دهند، تا مانع نزدیک شدن پیروان خود به آن شوند، از این روش بهره خواهند برد.

مفهومی به نام «سخن نفرت‌زا» (Hate speech) یا «بیان نفرت‌زا» (Hate expression) در حقوق بین‌الملل مصطلح گشته است که می‌توان آن را به طور خلاصه به «حمایت از بیزاری و نفرت مبتنی بر ملیت، نژاد یا مذهب» تعریف کرد که موقعیتی خاص در نظام حقوقی بین‌الملل دارد و حتی نوع خاصی از آن، که منجر به نسل‌کشی می‌شود، در کنار جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، یکی از چند جرم بین‌المللی محسوب شده است.^{۲۶}

سخنان نفرت‌زا علاوه بر آنکه می‌تواند از جانب حاکمان و سیاستمداران ایراد شود، از جانب متصدیان هر دستگاه دینی نیز در قالب آموزه‌های دینی بیان می‌شوند. تحریک مردم به بیرون راندن و کشتن به اصطلاح «کافران» در طول تاریخ همواره مشهود است و صحنه‌های ددمنشانه‌ای را رقم زده است. حربه «تکفیر» نیز فاجعه‌های بزرگی را به وجود آورده و خواهد آورد.

در تاریخ کشورهای اسلامی به خصوص از قرن هشتم قمری، صحنه‌های فراوان از این دست اقدامات، مشهود است، تا جایی که وقتی شخصی حنفی مذهب بر حنبلیهای گیلان وارد می‌شد، وی را به نام کافر می‌کشتند و اموال او را به نام «فیء» تصاحب می‌کردند. در بلاد ماوراءالنهر که سرزمین حنفیان بود،

۲۶. «سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر».





شافعیان تنها یک مسجد داشتند و والی شهر هر وقت برای نماز صبح از آنجا می‌گذشت، می‌گفت: آیا وقت آن نرسیده است که این کنیسه بسته شود؟^{۲۷}

ب) جهل مقدس

نهادهای ایدئولوژیک پیش گفته، علاوه بر تبلیغات دینی در به وجود آمدن نوعی جهل که به «جهل مقدس» (Holy ignorance) مشهور گشته است، نیز نقشی اساسی دارند که در ترویج جرایم ناشی از نفرت مؤثر است. اصطلاح جهل مقدس از فیلسوف و کشیش ایتالیایی «جوردانو برونو» است. او کشیشی بود که در مقابل دستگاه دینی پاپ که در صدد تحمیل «راست‌کیشی» بر مردم بودند، قیام کرد و برای آزادی انسانها تلاش می‌نمود. او خیلی زود از سوی کلیسا تکفیر و به دادگاه تفتیش عقاید سپرده شد و در نهایت پس از تحمل حدود هشت سال شکنجه وحشیانه، در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۶۰۰م در رم سوزانده شد.

نوشته‌اند که وقتی برونو را به یک میله آهنین بسته و انبوهی از هیزم برای سوزاندن او جمع کرده بودند، او تسلیم شده بود و چیزی نمی‌گفت، ولی اتفاقی افتاد که جمله‌ای تاریخی بر زبان راند. آن اتفاق این بود که ناگهان دیدند پیرزنی نزدیک شد که تکه هیزمی در دست دارد و با آوردن نام خدا بر لب، آن را به روی هیزمها انداخت. برونو سکوتش را شکست و گفت: «نفرین بر این جهل مقدس».^{۲۸}

فاجعه جهل مقدس حکایت از احساسی دینی دارد که فرد دارای آن احساس را با نیت تقرب به خدا یا هر چیز دیگری که مقدس می‌شمارد، به فجیع‌ترین جنایات وامی‌دارد. فاجعه جهلی که براساس تبلیغات دینی و سخنان نفرت برانگیز متصدیان دینی پدید آمده است و به انجام افعال خشن از سوی باورمندان به آن منجر می‌گردد.

امروزه همه جهان و به خصوص کشورهای مسلمان

بیش از هر زمان به این نوع از جهل مبتلا می‌باشند. جریانهای تکفیری، عملیات انتحاری و کشتن خود و انسانها برای رسیدن به بهشت، فاجعه‌ای است که حکایت از این نوع نگرش همراه با تعصبی ایدئولوژیک دارد.

۳) تأثیر جامعه و نظریه برچسب‌زنی

در کنار دو نهاد دین و دولت، جامعه نیز سهم بسزایی در گسترش جرایم ناشی از نفرت دارد. براساس «نظریه برچسب‌زنی»، جرم فرایندی اجتماعی است. طرف‌داران این نظریه معتقدند: نحوه نگاه فرد به جهان تا حد زیادی وابسته به موقعیت او در آن جهان است.^{۲۹} حتی اگر قائل به این نظریه در جرم‌شناسی نباشیم، نمی‌توان نقش فرایند برچسب‌زنی را در جرایم ناشی از نفرت نادیده انگاشت. هرگونه از جرایم ناشی از نفرت اعم از دیدگاههای نژادی، دینی، جنسیتی و اختلال که نام برده شود، بر این نظریه قابل تطبیق است.

شخص در گروهی با ویژگی خاصی متولد می‌شود و از ابتدا دارای برچسب آن گروه با تمام علایق و نرفتهای آن می‌گردد. به دلیل برچسب خود باید به معارضه با گروه معارض بپردازد و مورد معارضه آن گروه نیز واقع می‌گردد. برای مثال کودکی سیاه‌پوست متولد می‌شود، نقشهای این گروه را می‌پذیرد، از کودکی مورد تنفر سفیدان واقع می‌شود و می‌آموزد تنفر بورزد. از این رو، از خطرات ویژه این نوع از جرایم آن است که قربانیان آن محدود به بزرگسالان نمی‌مانند. به این ترتیب همه افراد جامعه، ناخواسته میان میدان نزاعی متولد می‌شوند که ناچار باید با طرف دیگر مشغول این نزاع گردند.

راهکارها

جرایم ناشی از نفرت که بدون توجه به مرزهای کشورها گسترش می‌یابد و با پیشرفت و سرعت

۲۷. «فقه مقارن، جایگاه فقه اسلامی در عرصه بین‌الملل»، ص ۲۰۵.

۲۸. فاجعه جهل مقدس، ص ۹۶.

۲۹. جرم و جرم‌شناسی، ص ۱۸۴.

انتقال اطلاعات در عصر جدید، می‌تواند با سرعت بیشتری تکثیر شود، باید مورد توجه مطالعات و پژوهش‌های گوناگون قرار گیرد. برای ارائه راهکار در مقابله و کنترل این دسته از جرایم، به نظر می‌رسد باید از دو خاستگاه به این موضوع نگریسته شود.

نخست استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در مقابله با این جرایم است. در غرب که همواره با این موضوع درگیر بوده، اقدامات مؤثری صورت گرفته است. تشکیل سازمانهای دولتی و مردم‌نهاد در این زمینه، کنترل پلیسی و قضایی این‌گونه جرایم، و پروژه‌های آموزشی ویژه کودکان موسوم به «آموزش تحمل» که با شناخت متقابل مانع به وجود آمدن حس ترس و نفرت در بزرگسالی اشخاص می‌گردد، از این دسته اقدامات است.

دومین خاستگاه، توجه به مفاهیم و آموزه‌های دینی و فرهنگی است که می‌توانند علیه این‌گونه خشونت‌ها شناسایی و تجهیز شوند. مانند تسامح مذهبی، اصل آزادی اجتهاد، اصل آزادی مذهب در شریعت، به رسمیت شناخته شدن استنباط‌های روشمند از دین، و اصول گفتگوی بین‌الادیانی و بین‌المذهبی در اسلام. در ایران با توجه به تنوع فرهنگی، مذهبی و دینی و مهاجرپذیری از یک سو و قرار گرفتن در منطقه پرآشوب غرب آسیا از سوی دیگر، خطر گسترش این نوع از جرایم همواره وجود داشته است که لازم است برای جلوگیری از جرایم ناشی از نفرت، اقدامات همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد.

لازم است «انگیزه ناشی از نفرت» در قوانین جزایی به عنوان یک عامل مشدده کیفر در نظر گرفته شود و در تحقیقات پلیسی و جنایی، پژوهش‌های لازم در مورد توصیف و تبیین این پدیده انجام گیرد. با اقدامات پلیسی گروه‌های نفرت‌شناسایی شوند. سازمانهای دولتی و مردم‌نهاد با فرهنگ‌سازی و به ویژه آموزش و آگاهی بخشی به کودکان، فرهنگ تساهل، رواداری، سعه صدر و تحمل مخالف را گسترش دهند. از

قرائت‌های خشن و برانگیزاننده نفرت توسط نهادهای مذهبی همه مذاهب اسلامی جلوگیری به عمل آید و در نهایت ظرفیتهای صلح آفرین فرهنگ و تمدن اسلامی، مورد تأکید قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

۱. جرم ناشی از نفرت مفهومی نوین در ادبیات حقوقی جهان تلقی می‌شود و آن دسته از اقدامات مجرمانه را دربر می‌گیرد که با وجود عناصر «نفرت»، «باور» یا «اعتقاد»، «غرض» یا «پیش‌داوری» و «تعلق قربانی به گروه یا دسته‌ای خاص» ارتکاب می‌یابند و طی آن، قربانی صرفاً به دلیل تعلق به گروه یا دارا بودن ویژگی طبیعی خاصی مورد جنایت واقع می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان این‌گونه از جرایم را به صورت ویژه پیگیری و کنترل می‌نمایند و آن را از جهات مشدده مجازات محسوب می‌کنند. چنین اصطلاحی در واژگان حقوقی ایران موجود نیست و قوانین خاصی در این مورد وجود ندارد، اما بسیاری از مصادیق آن به وضوح قابل درک است.

۲. در مورد چرایی وقوع چنین جرایمی، می‌توان با تقسیم عوامل مؤثر به سه نهاد دولت، دین و جامعه به بررسی آن پرداخت. دولتها از دو طریق به این‌گونه جرایم دامن زده‌اند: یکی از راه پروپاگاندا یا تبلیغات سیاسی که براساس منافع در طول تاریخ وجود داشته و ریشه‌های تاریخی اثرگذاری از نفرت در جوامع برجا گذاشته است و دیگری عدم اجرای مناسب قانون که منجر به بی‌اعتمادی جامعه نسبت به آن و انجام اعمال خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه توسط خود مردم می‌شود. نهاد دینی به چند صورت در این مهم نقش داشته است: اولاً؛ در ماهیت مسائل اعتقادی و ایدئولوژیک، نفی دیگر اعتقادات و برحق دانستن عقیده خود وجود دارد که موجب احساس جدایی فرد دارای آن عقیده از دیگران در وهله اول و در مراحل بعد ایجاد احساس نفرت نسبت به دیگران می‌شود.





ثانیاً؛ تبلیغ دینی توسط متصدیان آن ایدئولوژی که برای حفظ سلطه و منافع خود دست به نفی دیگران می‌زنند و با «سخنان نفرت‌آمیز» در دل مخاطبان ایجاد ترس و نفرت می‌نمایند که در قالب «گروه‌های نفرت» نمایان می‌گردد و به انجام اعمال خشن منتهی می‌شود. ثالثاً؛ «جهل مقدس» نیز احساسی دینی است که در اثر تبلیغات دینی و تعصب و کوته اندیشی ایجاد می‌شود و به عنوان نیروی محرکه‌ای قدرتمند، شخص مجرم را به انواع جنایات وامی‌دارد. جامعه نیز با «برچسب‌زنی» به اشخاص و دسته‌دسته نمودن آنها هرکس را در سلک گروهی قرار می‌دهد

که ناخودآگاه با گروهی دیگر معارض است. ۳. برای حل این معضل باید اقداماتی دوسویه صورت پذیرد: اول استفاده از تجارب دیگر کشورها و دوم شناسایی مفاهیم و آموزه‌های دینی و فرهنگی که می‌تواند در مورد قرائتهای خشن از دین به کار رود. اقدامات همه جانبه پژوهشی، قضایی، فرهنگی، تربیتی و مدیریتی در مقابله با این نوع فراگیر از جرایم باید انجام پذیرد.

کتابنامه

- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۶۶ش.
- آریا، سروش، «ریشه‌های جنگ بوسنی؛ نفرت نژادی»، مجله گزارش، شماره ۲۲۸، ۱۳۹۰ش.
- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۴ش.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، «فقه مقارن، جایگاه فقه اسلامی در عرصه بین‌الملل»، مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۴۳، ۱۳۸۴ش.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، کربلا، مؤسسه الامام الخوئی، ۱۴۲۲ق.
- رودریگوئز، روبرتو، «دهه تقلب، هراس، نفرت و جنگ مداوم»، مجله سیاحت غرب، شماره ۸۰، ۱۳۸۹ش.
- سودمندی، عبدالمجید و بهرام مستقیمی قمی، «سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، التعزیر احکامه و حدوده، قم، دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی، بی‌تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- علوی، پرویز، ارتباطات سیاسی، تهران، ثابیه، ۱۳۷۶ش.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، میزان، ۱۳۸۶ش.
- گرث، هانس و سی. رایت میلز، منش فرد و ساختار اجتماعی (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی)، ترجمه اکبر افسری، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ش.
- متولی، کاظم، افکار عمومی و شیوه‌های اقتناع، تهران، بهجت، ۱۳۸۴ش.

- B. Jacobs, James & Potter, Kimberly, Hate Crimes: Criminal Law & Identity Politics, Oxford University Press, 1998.
- FBI: www.fbi.gov/about-us/investigate/civilrights/hate_crimes
- National Crime prevention Council: www.ncpc.org/topics/hate-crime
- Southern Poverty Law Center: www.splcenter.org
- Stop Hate Crime: www.report-it.org.uk
- Stop Hate UK: www.stophateuk.org
- Strobl, rainer & Klemm, Jana & Wurtz, Stefanie, "Preventing Hate Crimes: experiences from Two East – German Towns", The British Journal of Criminology, Centre for Crime and Justice Studies, Vol.45, Issue 5, September 2005.
- Teaching Tolerance: www.tolerance.org
- The United States Department of Justice: www.justice.gov
- www.afghanpaper.com
- www.asriran.com
- www.islametimes.org

- محقق داماد، سید مصطفی، فاجعه جهل مقدس، تهران، مؤسسه نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- نیچه، فردریش، تبارشناسی اخلاق، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۷ش.
- وایت، راب و فیونا هینز، جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
- وینفری، توماس ال، نظریه‌های جرم شناسی، ترجمه سید رضا افتخاری، گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸ش.

